

تحلیلی بر مفهوم ربا^۱

جناب آقای دکتر علی فرهنگی

دانشیار دانشکده اقتصاد - دانشگاه تهران

بسمه تعالی

مقدمه

از دیدگاه اکثر اقتصاددانان دنیا، یک اقتصاد بدون بهره وجود ندارد. بهره، از نظر آنان یک عامل اصلی است که ساختار اقتصادی بر اساس آن شکل گرفته و تنظیم می‌گردد. بهره روی تقاضای کل، عرضه کل، تقاضا برای پول و عرضه پول، سرمایه‌گذاری و پسانداز، و در نتیجه تولید و اشتغال، جریان سرمایه‌ها و بازار سرمایه و بسیاری متغیرهای دیگر اثر می‌گذارد، و تعیین‌کننده آنها است.

به این ترتیب، حذف بهره از اقتصاد، هرج و مرج ایجاد می‌کند. برداشت اقتصاددانان غربی از حذف بهره در اقتصاد اسلامی نتیجه تعلیماتی است که اقتصاددانان مسلمان زمینه ساز آن بوده‌اند. لذا آنچه در این مورد میتوان گفت این است که اقتصاددانان مسلمان به طور «صحیح» و «کامل»

۱ - مقاله فوق‌الذکر، از جمله مقالات برگزیده‌ای است که در چهارمین سمینار بانکداری اسلامی (شهریور ماه ۱۳۷۲) ارائه گردید، لکن به علت تأخیر در ارسال متن اصلاحی مقاله از یک سو و اتمام کار صفحه‌بندی و سایر امور فنی مربوط به چاپ «چهارمین مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در شهریورماه ۱۳۷۲» از سوی دیگر، چاپ این مقاله در مجموعه یاد شده مقدور نگردید. اینک با اعتذار از نویسنده محترم مقاله و به منظور استفاده خوانندگان گرامی به درج متن کامل آن در این مجموعه مبادرت می‌شود.

نتوانسته‌اند مفهوم بهره و چگونگی حذف آن را در اقتصاد اسلامی تشریح و توجیه نمایند. به عبارت دیگر اقتصاددانان مسلمان به طور صحیح و کامل توضیح نداده‌اند که دقیقاً کدام عامل حذف می‌شود و کدام عامل وظایف خود را در تنظیم روابط و ساختار اقتصادی کماکان انجام می‌دهد.

هدف این مقاله این است که بطور دقیق مفهوم ربا بررسی شود و تأکید گردد که آنچه به عنوان ربا در اقتصاد اسلامی حرام است و از اقتصاد حذف می‌شود موجب ایجاد هرج و مرج اقتصادی نمی‌گردد زیرا عاملی که ساختار اقتصادی را تنظیم می‌کند، ربا نیست و در اقتصاد اسلامی هم سود سرمایه، کماکان وجود دارد و علاوه بر تخصیص منابع، ساختار و روابط اقتصادی را تنظیم می‌نماید.

بررسی ادبیات

اکثر سردرگمی‌ها و برداشت‌های غلط در مورد بانکداری و اقتصاد اسلامی به این دلیل است که مفهوم دقیق و صحیح «ربا» کمتر مورد بحث و تحلیل اقتصادی قرار گرفته است، به عبارت دیگر اقتصاددانان مسلمان به دقت و به طور صحیح مفهوم ربا را از نظر اقتصادی و یا اثرات آن را بر اقتصاد، مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار نداده‌اند.

اگرچه ادبیات موجود در بانکداری و اقتصاد اسلامی نسبتاً غنی و فراوان است، لکن این بُعد از مفهوم ربا که اهمیت بسیار زیادی نیز دارد، کاملاً مورد توجه اقتصاددانان قرار نگرفته است. لذا در اینکه مقاله سعی بر این است که دقیقاً همین دیدگاه تقریباً کمتر توجه شده مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

البته ادبیاتی که در این مقاله بررسی می‌شود تمامی نوشتجات موجود را شامل نیست، لکن سعی می‌گردد در هر زمینه، نظرات مهم را بررسی نمود.

بعضی از اقتصاددانان مسلمان یک اقتصاد و بانکداری اسلامی ایده‌آل را ترسیم و بحث و بررسی نموده‌اند. به این معنی که سازمان و شکل اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی را در یک جامعه اسلامی ترسیم نموده و چگونگی عملکرد آن را تشریح می‌نمایند.

مقاله «الجرحی» [۱] نمونه‌ای از چنین تحلیلی را ارائه می‌دهد. الجرحی در این مقاله چگونگی عملکرد یک سیستم پولی اسلامی را تجزیه و تحلیل و تشریح می‌نماید. ایشان تئوری کلاسیک پولی را زیر سؤال برده و عنوان می‌کند که تئوری مزبور نقص منطقی دارد. سپس، وی چند نمونه از پول‌های کاغذی را که می‌تواند در یک اقتصاد اسلامی وجود داشته باشد معرفی و تشریح می‌کند.

دسته دیگری از اقتصاددانان مسلمان، تحلیل‌های خود را در مورد امکان مالی و یا برتری اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی نسبت به اقتصاد و بانکداری متعارف مبتنی بر ربا تمرکز داده‌اند. از این دسته از اقتصاددانان به «محسن خان» و «میرآخور» می‌توان اشاره نمود که در زمینه مقایسه برتری

نظام بانکداری بدون ربا مطالعات و نوشتجات زیادی دارند.

در یکی از این مقالات، محسن خان [۹] چنین بحث می‌کند، که مدل ارائه شده وی مشابه مدل‌های استاندارد و معمولی است که در دنیای غرب ارائه می‌گردد. البته عملاً مدل ارائه شده توسط محسن خان در این مقاله مبتنی بر ترتیبات مشارکت می‌باشد که در رشته امور مالی به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد (Profit and loss Arrangements). در این مدل، سپرده‌گذاران در واقع سهامداران بانک هستند. لذا به جای گواهی سپرده، قطعات سهم دریافت می‌دارند. به این ترتیب سپرده‌گذار نه تنها یک بهره از پیش تعیین شده دریافت نمی‌دارد، بلکه ارزش سهم او نیز در معرض نوسانات قرار دارد. لذا حتی اصل ارزش سهم نیز ممکن است در پایان دوره، کاهش (یا افزایش) داشته باشد. به نحو اولی میزان سود دریافتی در پایان دوره (یا زیان) نیز نامشخص است. «خان» چنین ادعا می‌کند که «هرگونه» اخلال در وضعیت دارائی‌ها به وسیله کاهش (یا افزایش) در ارزش آنها جبران و جذب می‌شود. لذا، ارزش واقعی دارائی‌ها و بدهی‌های بانک در نظام بانکداری اسلامی همیشه با یکدیگر برابر هستند.

میرآخور، نیز مانند محسن خان چنین بحث می‌کند که مشارکت به جای سپرده‌گذاری یک سیستم عملی و کاملاً کارآ به عنوان نظام بانکداری اسلامی می‌باشد [12]. ایشان هم مانند خان دلایل علمی در مورد عملی بودن این نظام و همچنین برتری آن نسبت به نظام متعارف غربی ارائه می‌نمایند.

یکی از مشکلات یا نقایص بحث‌های ارائه شده توسط خان و میرآخور و بعضی اقتصاددانان دیگر که ترتیبات مشارکت را به جای سپرده‌گذاری پیشنهاد کرده‌اند این است که آنها از پرداختن به بحث‌های مربوط به دلایل تحریم ربا خودداری کرده‌اند. همچنین آنها در مقابل و به جای فعالیت سپرده‌گذاری و اعتبار دهی برای بانک‌ها نظام مشارکت را پیشنهاد می‌کنند، لذا در تحلیل‌های آنان مثلاً قرض الحسنه جایگاهی ندارد.

علاوه بر این، خان و میرآخور چنین عنوان می‌کنند که فقط دو روش از روش‌های متعدد عقود مجاز اسلامی برای بانک‌ها مناسب هستند. این دو روش عبارتند از مشارکت و مضاربه. به‌طور ضمنی آن‌ها روش‌های دیگر را نامناسب و فقط دو روش مزبور را قویاً اسلامی می‌دانند. حتی میرآخور در یکی از مقالات خود اشاره می‌کند که روش‌های دیگر مشارکت اگر چه مجاز هستند، لکن آنها به‌طور ضعیف اسلامی هستند به این معنی که این روش‌ها در شکل مطابقت با شرع دارند، لکن در محتوی مطابق با اهداف شرع مقدس نیستند [۱۳].

طرز تلقی این دسته از اقتصاددانان مسلمان نسبت به عقود قوی و ضعیف تجاری به نظر صحیح نمی‌رسد. حرام یا حلال بودن ربا براساس عوامل کیفی تعیین نشده و اگر سایر عقود غیر از دو عقد

مشارکت و مضاربه نیز از نظر شرعی حلال باشند به همان نسبت اسلامی و قوی نیز هستند. لذا به نظر صحیح نمی‌رسد که سایر عقود را اسلامی ضعیف و یا تا حدودی شرعی تلقی کنیم. ممکن است اقتصاددانان مزبور تحت تأثیر این نکته واقع شده‌اند که دو عقد مضاربه و مشارکت شباهت بیشتری به ترتیبات مشارکت (Profit and loss sharing) در اقتصادهای متعارف دارند. لذا به تبع این شباهت به این نتیجه رسیده‌اند که دو عقد مزبور تنها دو عقد قابل استفاده و کاربردی هستند و در نتیجه آنها بیشتر از عقود دیگر اسلامی و شرعی هستند.

آنچه لازم به تذکر است این است که ممکن است در عمل (و در بعضی موقعیت‌های مکانی و زمانی) بعضی عقود بیشتر از عقود دیگر کاربرد داشته باشند، ولی صحیح نیست که عقود با کاربرد بیشتر را قویاً اسلامی و عقود با کاربرد کمتر را کمتر اسلامی بدانیم.

ابعاد دیگری از اقتصاد و بانکداری اسلامی توسط اقتصاددانان دیگر نظیر چاپرا [2]، کهف [8]، میرآخور [13]، مهدوی [۱۱] و هدایتی [۷] مطالعه و بحث و بررسی شده است.

این گروه از اقتصاددانان مسلمان بیشتر تحلیل‌های خود را در اطراف اثرات اسلامی کردن نظام اقتصادی بر بانکداری، سیاست‌های پولی و خصوصاً بانک مرکزی متمرکز کرده‌اند.

اگرچه این بُعد از مطالعات بانکداری و اقتصاد اسلامی نیز جالب توجه و در خور تقدیر است، لکن بحث‌های مطرح شده در این راستا اکثراً مبتنی بر مفروضات و پیش‌بینی‌ها بوده و از حمایت آمار و اطلاعات عملی و واقعی برخوردار نمی‌باشند.

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد توضیح چگونگی عملکرد نظام بانکداری اسلامی به شدت وابستگی به اطلاع دقیق از مفهوم ربا و تفکیک دقیق بازدهی‌های حلال سرمایه از بازدهی‌های حرام است. لذا هر مطالعه‌ای که مبتنی بر این تفاهم نبوده و بدون توجه به مفهوم دقیق ربا در موضوع بانکداری اسلامی به عمل آید، خواه ناخواه از کاستی‌های پایه‌ای و اساسی برخوردار بوده و طبعاً فرضی و از پیش قضاوت شده [on a priori ground] می‌باشد.

متأسفانه فقط تعداد کمی از اقتصاددانان مسلمان به بحث در موضوع مفهوم ربا و منطبق اقتصادی آن پرداخته‌اند. گروهی از این اقتصاددانان عبارتند از داودی [۳]، توتونچیان [15]، صدر [14] و فهیم خان [4].

داودی چنین بحث می‌کند که هزینه سرمایه از دو بخش تشکیل می‌شود؛ هزینه فرصت سرمایه و هزینه بکارگیری سرمایه. هزینه فرصت سرمایه از نظر ایشان همان ارزش سرمایه است. لکن در مورد هزینه بکارگیری سرمایه ایشان تعریف متعارف هزینه استفاده از سرمایه [User cost of capital] را ارائه می‌دهند. نتیجه‌گیری ایشان این است که در شرع مقدس هزینه استفاده از پول ربا است و لذا حرام می‌باشد.

استفاده از مفهوم هزینه استفاده از سرمایه اگرچه یک طرز تلقی جدید است، لکن بحث ایشان کاملاً صریح و روشن نیست.

توتونچیان نیز در مقالات مختلف موضوع ربا را با بکارگیری تئوری پولی بحث و بررسی می‌کند. خصوصاً ایشان در زمینه وظایف پول بحث‌های خود را متمرکز کرده‌اند. نکته مهم بحث ایشان این است که پول در شرع مقدس و در یک اقتصاد اسلامی دارای وظیفه ذخیره ارزش نیست، لذا فقط دو وظیفه دیگر یعنی واسطه مبادله بودن و معیار سنجش بودن را ایفا می‌کند. بر این اساس ایشان مدعی هستند که به عنوان یک کالای عمومی و بدون ارزش، پول هزینه فرصت ندارد و لذا به آن بهره تعلق نمی‌گیرد.

البته اگر پول وظیفه ذخیره ارزش نداشته باشد بحث ایشان منطقیاً صحیح است. لکن اینکه در یک اقتصاد اسلامی پول ذخیره ارزش نباشد را ایشان هنوز اثبات نکرده‌اند، و شاید هم اثبات آن امکان‌پذیر نبوده و لازم هم نباشد. این نکته لازم به یادآوری است که به محض اینکه پول به عنوان واسطه مبادله پذیرفته شود خودبخود و همزمان ذخیره ارزش هم خواهد بود. به عبارت دیگر وظیفه ذخیره ارزش بودن پول و واسطه مبادله بودن آن در عمل از یکدیگر تفکیک‌پذیر نیستند.

صدر و فهیم خان هر دو بحث خود را در مورد ربا از اینجا شروع می‌کنند که چه چیز در شرع مقدس حلال و چه چیز حرام است؟ آنها به این نتیجه مشترک می‌رسند که فروش نسبه در شرع مقدس با قیمت بالاتر مجاز است، پس ترجیح زمانی مثبت مورد تأیید می‌باشد. به این ترتیب وجود یک نرخ که با آن بتوان پروژها را بررسی نمود در یک اقتصاد اسلامی لازم و مجاز می‌باشد. صدر چنین نرخ را نرخ نسبه می‌نامد.

مفهوم ربا

از نظر این مقاله ربا یک تعریف حقوقی دارد و آن عبارتست از بهره وام که از پیش تعیین شده باشد. لذا آنچه موجب می‌شود که این وجه اضافی حرام باشد شرط از پیش تعیین شدن آنست، و همانطور که مشخص است در یک رابطه حقوقی وام دادن یا گرفتن اگر چنین وجهی دریافت یا پرداخت شود حرام است. لذا اگر به جای وام سرمایه‌گذاری واقع شود و اگر در وام بهره از قبل تعیین نشده باشد، دادن وجه اضافه سود است و از نظر شرعی اشکال ندارد.

آنچه بحث فوق تأکید دارد اینست که بحث ربا یک بحث شرعی و حقوقی است، لذا تحلیل اقتصادی آن ضرورت ندارد. در هیچیک از رسالات و منابع وجود وجه اضافی روی سرمایه‌گذاری و یا سوددهی یا بازدهی سرمایه به معنای عام نفی نشده است. هیچیک از اندیشمندان واجد شرایط ترجیح زمانی را نفی ننموده، همانطور که در نسبه فروشی قیمت بالاتر مجاز است.

باید توجه داشت که یکی از دلایل اینکه در زمینه بررسی و تحلیل بهره و ربا مشکلات نسبتاً فراوان وجود دارد این است که اصولاً مفهوم سرمایه و تئوری سرمایه یکی از بحث‌های جنجالی و نهائی نشده اقتصاد است. به نحوی که در این زمینه اقتصاددانان به تفاهم کامل و نهائی نرسیده و سؤالات باز و جواب داده نشده و مسائل حل نشده هنوز و به‌طور فراوان وجود دارد. همچنین مفاهیمی نظیر هزینه فرصت، بهره، و غیره نیز توسط اقتصاددانان، چه مسلمان و غیره، به صورت مترادف ربا در معانی متفاوت به کار رفته است. لذا برای روشن شدن مفهوم و واقعیت ربا بعضی از عبارات مزبور را ذیلاً تعریف نموده و توضیح می‌دهیم:

الف - هزینه فرصت

یکی از مهم‌ترین مباحث در نظام اقتصاد اسلامی این است که آیا پول هزینه فرصت دارد یا خیر؟ و آیا در شرع مقدس بطور کلی هزینه فرصت مورد تأیید است یا خیر؟ همانطور که قبلاً اشاره شد اگر برای پول یا هر چیز دیگری وظیفه ذخیره ارزش قائل نباشیم آنگاه می‌توانیم بگوئیم که پول یا آن چیز دیگر هزینه فرصت هم ندارد.

لکن از آنجا که قائل شدن وظیفه ذخیره ارزش برای پول در شرع مقدس به نظر لازم و مجاز می‌رسد، لذا می‌توان گفت که پول می‌تواند هزینه فرصت داشته باشد. به عبارت دیگر پول یک شیئی کمیاب است، و این کمیابی خواه ناخواه برای آن هزینه فرصت ایجاد می‌کند. در واقع هزینه فرصت پول یک قابلیت است که پول حامل آن می‌باشد.

باید توجه نمود که وجود هزینه فرصت برای پول به این معنی نیست که ربا توجیه دارد و یا تأیید می‌شود. هزینه فرصت همراه پول است لذا پولی که به قرض داده شود هزینه فرصت آن نیز همراه آن به قرض داده شده و در نتیجه قابل مطالبه نیست. به این ترتیب ربا توجیه نمی‌شود لکن هزینه فرصت که یک توان بالقوه است موجب وجود بازدهی در سرمایه‌گذاری‌ها می‌شود لازم و ضروری است.

ب - بهره

هرشلایفر (Hershlifer) بهره را به این ترتیب تعریف می‌کند:

بهره عبارتست از نسبت بازدهی سرمایه (منهای استهلاک) به ارزش سرمایه.

به این ترتیب آنچه وی به عنوان بهره تعریف می‌کند، سایر اقتصاددانان بازدهی سرمایه و یا سود سرمایه می‌شناسند.

چنین بهره‌ای با تعریف فوق مسلماً ربا نیست و حرام هم نشده است. مثال فوق نشان می‌دهد که

واقعیت مفاهیم با معنای ظاهری آنها تفاوت دارند و لذا اقتصاددانان در بکارگیری مفاهیم اختلاف سلیقه دارند. به همین جهت برای تعیین واقعیت ربا فراتر از حدود الفاظ و عبارات باید وارد گردید. غیر از مؤلف مزبور اقتصاددانان دیگری نیز در نوشته‌های خود عبارت بهره را بکار می‌برند. خصوصاً از آنجاکه این اقتصاددانان نسبت به عبارت بهره حساسیتی هم ندارند، لذا در موارد زیادی که واقعاً منظور سود یا بازدهی است از عبارت بهره استفاده می‌کنند. به هر حال در شرع مقدس بهره‌ای که برای وجوه قرض داده شده از پیش تعیین شده باشد به هر اسمی حرام است.

ج - سرمایه

یکی از سئوالهائی که معمولاً طرح می‌شود اینست که آیا پول سرمایه است یا خیر؟ اقتصاددانان غربی سرمایه را به دو دسته سرمایه مالی و سرمایه فیزیکی یا واقعی تقسیم می‌کنند و پول را نیز یک سرمایه مالی به حساب می‌آورند.

در شرع مقدس دستور صریحی برای سرمایه نبودن پول نداریم. ضمن اینکه پول به هر حال چون قابلیت تبدیل به سرمایه واقعی و فیزیکی را دارد می‌توانیم آنرا یک سرمایه بالقوه به حساب آوریم. البته این نکته نیز باید توجه شود که قابلیت پول برای تبدیل شدن به سرمایه فیزیکی بسیار زیاد است. خصوصاً اینکه صاحب دارائی نقدی نیازی نیست که شخصاً اقدام به خرید سرمایه فیزیکی بنماید. همینکه سرمایه نقدی خود را صرف خرید سهام، اوراق مشارکت نماید خود یک سرمایه گذاری به حساب آمده و لذا پول یک سرمایه است.

به محض اینکه سرمایه بودن پول را قبول کنیم، هزینه فرصت و تعلق گرفتن بازدهی و سود را هم می‌توان قبول کرد. لکن با اینحال ربا تعریف خاص خود را دارد و کماکان می‌تواند مردود باشد زیرا معنای ربا با هزینه فرصت سرمایه و سود کاملاً متفاوت است.

حال با توجه به تعاریف و توضیحاتی که تاکنون داده شده دو مشخصه برای بهره حرام و یا ربا در شرع مقدس در نظر می‌گیریم که این دو مشخصه آنرا با سود سرمایه و بازدهی سرمایه متمایز می‌سازند. یکی قرض دادن پول یا سرمایه است و دیگری از پیش تعیین شدن ربا یا بهره.

اگر معاملاتی که انجام می‌شود جنبه قرض نداشته باشد، مانند خرید و فروش سلف یا خرید و فروش نسبه، آنگاه وجوه اضافی پرداخت شده نیز ربا و حرام نمی‌باشد. همچنین اگر در معاملات قرضی وجه اضافی پرداخت شده از پیش تعیین نشود باز هم ربا و حرام نخواهد بود.

به نظر مؤلف، آنچه بین ربا که حرام است و سود که حرام نیست تفاوت ایجاد می‌کند شرایط حقوقی است. یعنی یک سرمایه مالی معین را می‌توان با یک عقد مناسب حقوقی مثل مشارکت

سرمایه‌گذاری کرد و از محل آن سرمایه‌گذاری نیز سود به دست آورد که حرام نباشد. لکن اگر همین سرمایه را به قرض بدهیم و برای آن بهره از پیش تعیین شده (سود یا اجاره و یا هر اسم دیگری) در نظر بگیریم آن بهره یا سود حرام است.

تأکید در این است که وجه تمایز بین دو اقدام مزبور فقط جنبه حقوقی دارد نه اقتصادی. به عبارت دیگر پیدا کردن توجیه اقتصادی برای مشارکت در مقابل قرض کار صحیحی نیست زیرا اگر همین قرض، قرض الحسنه باشد اشکالی ندارد و حتی تشویق هم می‌شود. یا اینکه در تئوری‌های پولی به دنبال توجیه حذف بهره در اقتصاد باشیم کاری بیهوده به نظر می‌رسد.

البته تحریم ربا بدون حکمت نیست. حکمت و منطق آن در توزیع درآمد و آثار دریافت و پرداخت قرض‌های ربوی است. شرع مقدس برای جلوگیری از ظلم و ستم و اندوختن منافع باد آورده ربا را حرام کرده است. لکن در هیچ یک از دستورات فقها صحبتی از حذف ترجیح زمانی مثبت نداریم. هیچ بحثی در مورد بی‌ارزش بودن پول یا سرمایه، مالیت نداشتن پول، و هر مطلبی که نتیجه آن حذف سودآوری سرمایه و تعلق گرفتن بازدهی برای پول باشد وجود ندارد.

لذا با اطمینان می‌توان گفت که در شرع مقدس اسلام پول مالیت دارد، ترجیح مثبت زمانی در شرع مقدس مورد تأیید است، قیمت نقد و نسیه تفاوت دارد، بهره با تعریف هرشلايفر (Hershlifer) وجود دارد، و بالاخره صاحبان سرمایه‌های نقدی (یعنی پول) می‌توانند شرعاً برای پول خود هزینه فرصت قائل شوند و در سرمایه‌گذاری‌های مالی، یعنی خرید سهام و انواع مشارکت‌ها انتظار سود سرمایه‌گذاری داشته باشند.

به این ترتیب بهتر است به جای استفاده از مدل‌های ریاضی و مفاهیم اقتصادی برای توجیه تحریم ربا و توجیه برتری مشارکت در مقایسه با استقراض از تحلیل‌های فقهی و حقوقی استفاده شود.

bibliography

- [1] AI - JARHI, MABID ALI, M. M., " The Relative Efficiency Of Interest - Free Monetary Economies: The Fiat Money Case", In, "Teoretical Studies In Islamic Banking And Finance", MOHSIN KHAN Andd ABBAS MIRAKHOR, (eds), The Institute For Research And Islamic Studies, Houston, Texas, 1987.
- [2] CHAPRA, UMAR M., "Towards A Just Monetary System", The Islamic Foundation, London, 1985.
- [3] DAVOUDI, PARVIZ, "Functions Of Money", Ist. Seminar On Islamic Banking, Iran Banking Institute, Tehran, Iran, Sep. 1990.
- [4] FAHIM KHAN, M., "Time Value Of Money And Discounting In Islamic Perspective", Review Of Islamic Economics, Vol. 1, No. 2, 1991.
- [5] FARHANDI, ALI, "Capital Theory And Islamic Banking", Economics and Management, vol. 12, Spring 1992.
- [6] GUIDE TO PROBLEMS, Written By Leading Theologists, Tehran, Iran, 1992.
- [7] HEDAYATI, S. ALI ASGHAR, "Some Theoretical And Philosophical Aspects Of Islamic Banking Vis-A-Vis Traditional Banking System", Ist. Seminar On Islamic Banking, Iran Banking Institute, Tehran, Iran, Sep. 1990.
- [8] KAHF, MONZER, "Fiscal And Monetary Policy In An Islamic Economy", in MUHAMMAD ARIF, "Monetary and Fiscal Economics Of Islam", International Center for Research In Islamic Economics, Jeddah 1982.
- [9] KHAN, MOHSIN S., "Islamic Interest Free Banking: A Theoretical Analysis", IMF, Working Paper, Sep. 1985.

- [10] KHAN, MOHSIN S. and MIRAKHOR, ABBAS, "The Financial System and Monetary Policy In An Islamic Economy", IMF, Working Paper, Nov, 1985.
- [11] MAHDAVI, HOSEIN S., "The Impact Of The New Banking System On The Instruments Of Monetary And Credit Policy In The Islamic Republic Of Iran", In, "Islamic Financial System", Conference On Islamic Banking Central Bank Of The Islamic Republic Of Iran, Tehran, Iran, June 1986.
- [12] MIRAKHOR, ABBAS, "Some Theoretical Aspects Of An Islamic Financial System", Conference On Islamic Banking, Central Bank Of The Islamic Republic Of Iran, Tehran, Iran, June 1986.
- [13] -----, "Short Term Asset Concentration And Islamic Banking", In, "Teoretical Studies In Islamic Banking And Finance", MOHSIN KHAN And ABBAS MIRAKHOR, (eds), The Institute For Research And Islamic Studies, Houston, Texas, 1987. PP. 185-186.
- [14] SADRE, KAZEM S., "Credit Rate In Islam", 2nd. Seminar On Islamic Economics, Foundation For Research In Islam, Mashed, Iran, Sep. 1990.
- [15] TOUTOUNCHIAN, IRADJ, "Money In Islamic Economics", Economics And Management, vol.2, Summer 1989.
- [16] -----, "Theoretical Aspects Of Money And Banking In Islam", 1st, Seminar On Islamic Banking, Iran Banking Institute, Tehran, Iran, Sep. 1990.